

خدمت و کارگشایی در آموزه‌های اسلام

حمیده اسماعیلی*

مقدمه

از مسایل مهم در آموزه‌های دینی، حس تعاون، تعاضد و خدمت به مردم است. از مجموعه تعالیم حیات بخش اسلامی و سیره اولیای خدا استفاده می‌شود که پس از ادای فرایض، بالاترین وسیله برای تقرب به خدا، این خصلت نیکو است. از این رو، انبیا و ائمه علیهم‌السلام در خدمت مردم بودند و شخصاً در رفع حوایج و مشکلات آنان اقدام می‌کردند و برای آن اهمیت خاصی قائل بودند. امام صادق علیه‌السلام برآوردن حاجت مؤمن را برتر از هزار حج دانست: «قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا»^۱

اهمیت بحث

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اسلام خدمت به مردم است. اهمیت این امر به گونه‌ای است که

* کارشناس ارشد مشاوره.

۱. شیخ صدوق، *الأمالی*، ص ۲۳۷.

قرآن انفاق را در کنار ایمان به غیب و اقامه نماز ذکر کرده است.^۱ امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ»^۲ که درباره حضرت عیسی علیه السلام نازل شده، می فرماید: مقصود از «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا» جَعَلَنِي نَفَاعًا^۳ می باشد؛ یعنی خداوند عیسی علیه السلام را برای مردم، بسیار سودمند قرار داده است.

امام حسین علیه السلام نیازمندی مردم را نعمت الهی خوانده است: «إِعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ فَتَتَحَوَّلَ إِلَيْ غَيْرِكُمْ؛^۴ بدانید نیازمندی های مردم از نعمت های الهی است. پس نعمت ها را افسرده نسازید؛ یعنی: مبادا با رنجاندن مردم نیازمند، کفران نعمت کنید. در این صورت نعمت ها از شما روی گردان می شوند». از سوی دیگر، اسلام بندگان خدا را عیال خدا دانسته و محبوب ترین انسان را کسی می داند که برای عیال خدا خدمت کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ مَنْ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُؤْمِنٍ سُرُورًا؛^۵ مردم عائله و جیره خواران خداوند هستند. محبوب ترین مخلوقات نزد خدا کسی است که سودش به عائله خدا برسد و خانواده مؤمنی را خوشحال کند.»

ابان بن تغلب نقل می کند که در خدمت امام صادق علیه السلام در حال طواف خانه خدا بودم. کسی مرا صدا کرد و من جواب او را ندادم. در دور دوم طواف، مجدداً مرا صدا کرد و پاسخ او را ندادم. امام صادق علیه السلام فرمودند: مگر تو را صدا نمی زند؟ گفتم: آری یابن رسول الله! فرمودند: شیعه است؟ گفتم: آری شیعه است و از من درخواستی دارد. فرمودند: چرا درخواست او را اجابت نمی کنی؟ عرض کردم: یابن رسول الله! مشغول طواف هستم. فرمودند: طواف را رها کن و به سوی او برو.^۶

از محمدحسن نجفی - معروف به صاحب جواهر - سؤال شد: اگر خداوند به شما اطلاع دهد که از عمر شما جز اندکی نمانده، این ساعات پایانی عمر را صرف چه کار می کنید؟ ایشان در

۱. بقره، آیه ۲ و ۳.

۲. «و مرا - هر جا که باشم - وجودی پربرکت قرار داده.» (مریم، آیه ۳۱)

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷.

۵. همان، ج ۷۲، ص ۶۶.

۶. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۱.

مجلس شانزدهم: خدمت و کارگشایی در آموزه‌های اسلام ■ ۱۷۳

جواب فرمود: این چند ساعت عمرم را صرف خدمت به خلق و گره‌گشایی از مردم می‌کنم و اگر دیدم که کاری نمی‌توانم برای کسی انجام دهم، می‌روم جلوی در خانه‌ام می‌نشینم تا شاید کسی به من بگوید حاج آقا برایم استخاره‌ای بگیرید.^۱

سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سرب‌به‌بام خسته جانی
به‌گوش ارغوان، آهسته گفتم به‌بهارت خوش که فکر دیگرانی

شرایط خدمت به دیگران

خدمت و کارگشایی شرایطی دارد. یکی از آن، حفظ کرامت انسانی است؛ به دلیل این که اگر به عزت نفس و آبروی افراد بی‌توجهی شود، نتیجه مثبت نخواهد داد. در اینجا به برخی از این شرایط اشاره می‌شود:

۱. حفظ حرمت انسان

خدمت باید به گونه‌ای محترمانه و بدون منت باشد. بر این اساس است که اهل بیت علیهم‌السلام معمولاً پنهان و شب‌ها به نیازمندان کمک می‌نمودند. امام سجاد علیه‌السلام پسر عمویی داشت که آن حضرت بعضی شب‌ها به خانه‌اش می‌رفت و مقداری پول به او می‌داد. آن شخص، حضرت علیه‌السلام را نمی‌شناخت (چون صورتش پوشیده بود) و می‌گفت: «علی بن حسین، به حال ما توجهی ندارد و در حق او نفرین می‌کرد.» امام، این رویکرد را نادیده گرفته، خود را معرفی نمی‌کرد. وقتی امام از دنیا رفت و آن کمک‌های شبانه قطع شد، آن شخص متوجه شد که امام سجاد علیه‌السلام بوده است که کمک می‌نموده از این رو همیشه به حالت گریه و برای عذرخواهی، کنار قبر حضرت می‌رفت.^۲

هم‌چنین هشام بن سالم می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام وقتی پاسی از شب می‌گذشت، کیسه‌هایی را برمی‌داشت که در آن نان، گوشت و درهم بود. سپس آن را بر دوشش حمل می‌کرد و بین نیازمندان مدینه تقسیم می‌نمود؛ در حالی که آنان، حضرت علیه‌السلام را نمی‌شناختند. هنگامی که امام صادق علیه‌السلام از دنیا رفت، آن‌گاه متوجه شدند که کمک‌کننده، امام صادق علیه‌السلام بوده است.^۳

۱. <http://akhlagh.porsemani.i>

۲. اربلی، علی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۱۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۸.

۲. کوچک نشمردن احسان

برخی کارگشایی و خدمت‌رسانی را کوچک می‌شمارند، اما روایات تأکید می‌نمایند که این امر را کوچک نشمارید. امام سجاد علیه السلام فرمود: «احسان به برادران خود را کوچک نشمارید. در آینده، خداوند به شما سودی می‌رساند؛ به گونه‌ای که هیچ چیز جای آن را پر نمی‌کند.»^۱

۳. اخلاص

در خدمت‌گزاری، شرط اساسی دیگر نیز وجود دارد و آن اخلاص و تقوا است، و گر نه خدمت به خاطر مقاصد نفسانی تأثیری نخواهد داشت؛ چراکه عمل خیر باید از راه خیر و نیک انجام پذیرد، هم‌چنان‌که خدا می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۲ خداوند فقط از پرهیزگاران [اعمال نیک] را می‌پذیرد.»

هنگامی که به امام حسین علیه السلام خبر دادند «عبدالله بن عامر» - از کارگزاران بنی امیه - صدقه داده و عده زیادی برده آزاد کرده است، فرمود: مثل عبدالله بن عامر مانند کسی است که از حاجیان و راهیان خانه خدا سرقت کرده و سپس اموال دزدی را صدقه می‌دهد. آن‌گاه افزود: «وَإِنَّمَا الصَّدَقَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ الذِّي عَرِقَ فِيهَا جَبِينُهُ وَغَبَّرَ فِيهَا وَجْهَهُ»^۳ صدقه پاکیزه، صدقه کسی است که در راه کسب آن پیشانی‌اش عرق کرده و صورتش غبارآلود شده است.»

ج. عرصه‌های خدمت‌رسانی

نیکوکاری و خدمت‌رسانی در اسلام حد و مرزی ندارد و خدمت، ویژه گروه مخصوصی نیست؛ هر کس باشد، مسلمان یا غیر مسلمان، همه باید از خدمات بهره‌مند گردند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: چه کسی نزد خداوند محبوب‌تر است؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «آن‌که نفعش به انسان‌ها بیش‌تر برسد.»^۴

۱. مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۷۱، ص ۷۰۸؛ عسکری علیه السلام، حسن بن علی، التفسیر المنسوب إلى الإمام

الحسن العسکری علیه السلام، ص ۷۹.

۲. مانده، آیه ۲۸.

۳. نوری، حسین، المستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴۴.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

از این روی یکی از مهم‌ترین خواست‌های ائمه علیهم‌السلام از خداوند توفیق خدمتگزاری به مردم است. امام سجاد علیه‌السلام عرضه داشت: خداوندا! انجام کارهای خیر را برای مردم، به دست من اجرا کن و خدمات نیکم را با منت‌گزاری ضایع مگردان.^۱

از مرحوم آیت الله بروجردی نقل است که فرمود: «در ایام اقامت در بروجرد، شبی در خواب دیدم به خانه‌ای وارد شدم. گفتند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنجا تشریف دارد. وارد شدم و سلام کردم و در آخر مجلس که جا بود، نشستم. دیدم حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در صدر مجلس نشسته است و بزرگانی از علما و زهاد در کنار ایشان نشسته‌اند و نزدیک‌تر از سایرین به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سیدجواد طباطبایی - برادر کوچک‌تر علامه سید مهدی بحرالعلوم - نشسته است. به فکر رفتم که در میان این جمع، کسانی هستند که هم عالم‌تر از سید جوادند و هم زاهدتر از او، چرا این امتیاز، نصیب او شده است. در همین اندیشه بودم که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «سیدجواد به کار مردم و اهل حاجت، از همه کوشاتر بوده است».^۲

خدمت می‌تواند در عرصه‌های مختلف صورت گیرد:

۱. عرصه فردی

- ادای دین بدهکاران

یکی از عرصه‌های مهم خدمت‌رسانی، ادای دین بدهکاران است. از این‌رو ائمه علیهم‌السلام می‌کوشیدند قرض برخی بدهکاران را بپردازند، از جمله بیماران. کم نیستند بیمارانی که با درد دست و پنجه نرم می‌کنند و هزینه درمان را ندارند. متأسفانه برخی بیمارستان‌ها نیز از پذیرش اینان امتناع می‌کنند. از سوی دیگر، بعضی بیماران بدهکارند که این امر آنان را رنج می‌دهد. اهل بیت علیهم‌السلام ضمن عیادت و دلجویی، دین بیماران را پرداخت می‌نمودند. چراکه مریض‌های فقیر بیش از آن‌که به فکر سلامتی خود باشند به فکر بدهکاری‌های خود هستند.

روزی امام حسین علیه‌السلام به ملاقات بیماری بدهکار به نام اسامه بن زید رفت. او در بستر بیماری آه و زاری می‌کرد و مکرر می‌گفت: ای وای از دست غم و اندوه! حضرت از او پرسید: چه اندوهی داری؟ اسامه گفت: بدهکارم و غم و غصه شصت هزار درهم قرض، تمام وجودم را فرا گرفته

۱. علی بن الحسین علیه‌السلام، *الصحیفة السجادية*، ص ۹۲.

است. امام فرمود: ناراحت نباش! من بدهی های تو را پرداخت می کنم. اسامه گفت: می ترسم قبل از پرداخت بدهی هایم بمیرم. حضرت فرمود: من تمام بدهی هایت را قبل از مرگ تو می پردازم. امام هم چنان که وعده داده بود، قبل از مرگ اسامه تمام قرض های وی را پرداخت.^۱

- ایجاد شادی

اگر انسان نتواند نیاز حاجت مندی را برآورد، شایسته است با زبان خوش و رفتاری دل انگیز او را خوشحال کند؛ چراکه برای خدمتگزار، همیشه کمک مالی به درماندگان ممکن نیست، اما او می تواند با رفتار دل پذیر، ایجاد شادی نماید که ایجاد شادی نیز خدمت به مردم است. شاد کردن افراد، تا آنجا اهمیت دارد که باب مخصوصی در کتاب های حدیث به نام «بابُ ادخالِ السُّرورِ علی المؤمنین» وجود دارد. رسول خدا ﷺ می فرماید: شما هرگز نمی توانید همه مردم را با بذل مال [راضی کرده] و گشایشی در زندگی ایشان ایجاد کنید، ولی با اخلاق خوششان آنان را خشنود کنید.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که غم و غصه را از دل مؤمنی بردارد، خداوند همه اندوه ها و گرفتاری های آخرت را از او دور کند و او را با دلی آرام از قبر برانگیزد».^۳

خاطر ناشاد را دلشاد کردن همت است باغ آفت دیده را آباد کردن همت است
صید مرغانِ حرم کردن ندارد افتخار طایری را از قفس آزاد کردن همت است

- سرپرستی یتیمان و فقیران

یکی از مصادیق خدمات رسانی، تحت پوشش گرفتن یتیمان و فقیران است. این امر - بحمد لله - تا اندازه ای در کشور ما اجرا می شود و افراد خیر به این امر اقدام می نمایند، اما این مسأله کافی نیست. انتظار آن است که خیران، تعداد بیشتری را تحت پوشش قرار دهند؛ چنان که امام سجاده علیه السلام به این امر، اقدام کرد. محدث قمی می نویسد: از جمله کارهای امام سجاده علیه السلام این بود که تأمین هزینه مخارج زندگی حدود صد خانوار از فقیران مدینه را بر عهده گرفته بودند و خیلی علاقه مند بودند که یتیمان و مردم نابینا و... بر سر سفره او حاضر شوند. آن گاه که فقیران حاضر

۱. بروجردی، آقا حسین، ترجمه جامع احادیث الشیعه، ج ۲۳، ص ۷۶۹.

۲. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۲۵.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۹۷.

می‌شدند، امام علیه السلام با دست خود، به ایشان غذا می‌دادند و هر کدام از آن‌ها که عیال‌وار بودند، برای آن‌ها هم غذا می‌فرستادند.^۱

۲. حوزه اجتماعی

- ازدواج

یکی از عرصه‌های خدمت، خدمت‌رسانی در امر ازدواج است. داده‌های آماری نشان می‌دهد که رغبت جوانان به ازدواج کم گردیده و تأخیر در آن، در حال تبدیل شدن به امتیاز اجتماعی است. مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور گفت: کل جمعیت جوانان هرگز ازدواج نکرده - اعم از تحصیل کرده و بدون تحصیلات عالی - بر اساس آخرین سرشماری، یازده میلیون و ۲۴۰ هزار تن هستند که پنج میلیون و ۵۷۰ هزار تن از این جوانان را مردان و پنج میلیون و ۶۷۰ هزار تن را زنان تشکیل می‌دهند.^۲

برخی جوانان به دلیل مشکلات مختلف، مانند مشکل اقتصادی نمی‌توانند ازدواج نمایند و برخی دختران به خاطر عدم تهیه جهاز، خانه‌نشین شده‌اند. برای رفع این مشکل باید چاره اندیشی نمود. یکی از راه‌ها اقدام والدین است؛ یعنی وقتی دختران و پسران به سن بلوغ می‌رسند، پدر و مادرها برای ازدواج آنان اقدام کنند؛ گرچه - متأسفانه - این امر صورت نمی‌گیرد. حتی در برخی موارد، جوانان اظهار می‌دارند ما می‌خواهیم ازدواج کنیم، اما خانواده‌ها مخالفت می‌کنند. قرآن وظیفه ازدواج دختران و پسران را بر عهده همه افراد، به‌ویژه نزدیکان آنان قرار داده است.^۳

از سوی دیگر در جامعه، افراد نیکوکار بسیاری داریم و در حال حاضر، شمار قابل توجهی کلاس‌های درسی توسط خیرین مدرسه‌ساز ساخته شده است، اما در خصوص ازدواج، کمک این افراد خیلی کم‌رنگ است. کمک به ازدواج جوانان، سیره اهل بیت علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فردی نزد پدرم آمد. پدرم از او پرسید: آیا زن داری؟ او گفت: خیر. پدرم در مورد فضیلت ازدواج با او صحبت کرد و به او هفت دینار طلا داد تا ازدواج کند.»^۴ افراد پول‌دار خیر

۱. <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View>.

۲. ر.ک: پایگاه اینترنتی ایرنا، نشانی: www.irna.ir/fa/News/81482462.

۳. نور، آیه ۲۳.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۹.

می‌توانند برای مسکن جوانان، ساختمان‌هایی مناسب بسازند. هم‌چنین کارهای دیگر خیرین، مانند گرفتن تسهیلات و قرض‌الحسنه یا کمک به خانواده‌ها در امر خرید جهیزیه یا برپا کردن مجالس عروسی است. تشکیل مجمع خیرین ازدواج، جهت انسجام‌بخشی، تقویت فعالیت‌ها و استفاده از توان‌مندی‌های خیرین کشور، از خدمات‌های بزرگ برای جوانان است. یکی از مشکلات دیگر جوانان، سر‌درگمی در انتخاب همسر است. بسیاری از دختران امروزی می‌گویند: چگونه می‌توان شرایط ازدواج را فراهم کرد، در حالی که کسی ما را نمی‌شناسد؟ متأسفانه، امروزه واسطه‌گری در امر خیر فراموش شده و معمولاً اطرافیان دخالتی در امر ازدواج جوانان نمی‌کنند. در گذشته مطابق شیوه سنتی، افراد بر اساس وظیفه دینی، ازدواج جوانان را جزء وظایف خود می‌دانستند و افراد ریش‌سفید در امر واسطه‌گری ازدواج، مورد احترام محله بودند. افراد مسن در محلات با در نظر گرفتن خانواده‌ها و دختران و پسران و بررسی شرایط آن‌ها، نسبت به معرفی آنان به یکدیگر اقدام می‌کردند.

واسطه‌گری در امر ازدواج، جزء ارزشی‌های اخلاقی است و روایات بسیاری بر آن تأکید دارد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»^۱ برترین شفاعت‌ها آن است که جهت ازدواج میان دو کس صورت پذیرد تا بدین وسیله، خداوند آن دو را به هم رساند.»

- اصلاح ذات‌البین

یکی از مشکلات جدی، اختلافاتی است که میان زن و شوهر و یا میان همسایه‌ها و دیگر افراد به وجود می‌آید. گاهی این امر مدت‌ها طول می‌کشد و نتیجه آن کشیدن مسأله به دادگاه است که بعد از مدت‌ها کشمکش - گاهی - حل نمی‌گردد. این درحالی است که این امر را می‌توان از طریق افراد خیر و مورد اطمینان حل کرد. قرآن و اهل بیت علیهم السلام بر این امر تأکید فرموده‌اند: «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ»^۲. امام علی علیه السلام در وصیت خود فرمود: «وَنَظِّمِ أَمْرَكُمْ وَصَلِّحِ ذَاتَ بَيْنِكُمْ»^۳.

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۳۳۱.

۲. انفال، آیه ۱.

۳. سید رضی، *نهج البلاغه*، ص ۴۲۱.

امام صادق علیه السلام نیز اطرافیان خود را به اصلاح ذات البین و از بین بردن کدورت‌ها امر می‌کردند. ابوحنیفه، ساریان حاجیان، گفته است که من و دامادم درباره میراثی ستیزی می‌کردیم. مفضل ما را دید؛ پس ساعتی ایستاد و آن‌گاه گفت: با من به خانه‌ام بیایید. ما با او رفتیم و آن‌گاه با چهارصد درهمی که از خودش به ما پرداخت، میان ما آرامش داد. چون هر یک از ما نسبت به دیگری خاطر جمع شد، او گفت: این از اموال خودم نیست، بلکه حضرت صادق علیه السلام به من دستور داده است که هرگاه دو مرد از اصحابمان برای چیزی با هم ستیزی می‌کردند، میانشان آرامش بدهم و از مال ایشان (امام صادق علیه السلام) خرج کنم؛ این از اموال حضرت صادق علیه السلام بود.^۱

- رسیدگی به همسایه

برخورد خوب با همسایه به دو گونه است: «پرهیز از آزار» و «احسان و نیکی».^۲ قرآن هم دوش دعوت به توحید، انسان را به احسان و نیکوکاری به همسایه موظف کرده است: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ؛^۳ خدا را پرستید و چیزی را در عبادت شریک او نسازید و به والدین احسان کنید... و به همسایه، چه خویش باشد و چه بیگانه، احسان کنید.» رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پیوسته جبرئیل درباره همسایه به من سفارش می‌کرد تا آن‌که من فکر کردم برای همسایه سهمی از ارث قرار می‌دهد.»^۴ امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «با همسایگان خوش‌همسایگی کن؛ زیرا خدای تعالی درباره همسایه از تو خواهد پرسید.»^۵

خانه قابله کجاست؟

در شبی از شب‌ها طلبه‌ای حلقه در منزل آخوند را چندین بار می‌کوبید. همسر این طلبه می‌خواست وضع حمل کند و چون این طلبه در نجف تهیدست و تنها بوده و منزل قابله را نمی‌دانسته از این روی به منزل آخوند آمده بود تا کمک بگیرد. دیری نپایید که کسی دم در آمد و بدون این‌که نام کوبنده را پرسد، آن‌را باز نمود. وقتی در باز شد، طلبه جوان، آقای آخوند را دید

۱. کلینی، الکافی، ص ۴۱۴.

۲. ر.ک: مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول کافی، ج ۹، ص ۱۱.

۳. نساء، آیه ۳۶.

۴. شیخ صدوق، الأملی، ص ۵۱۴؛ نیشابوری، محمد، روضة الواعظین، ص ۳۸۷.

۵. همان، ص ۴۲۶.

که شالی سفید بر سر بسته و قلمی بالای گوش راست خود گذارده است. او از فرط تعجب و شرمندگی، سلام کردن را فراموش کرد.

– سلام علیکم چه فرمایشی داشتید چه کمکی می‌توانم بکنم.

طلبه جوان پس از اظهار شرمندگی از ایجاد مزاحمت، جریان را شرح داد و با کمال فروتنی خواهش کرد که مستخدم منزل آخوند او را به خانه قابله راهنمایی نماید. آخوند گفت: مستخدم نمی‌تواند بیاید. او الان خواب است. من خودم می‌آیم. طلبه جوان اصرار کرد که مستخدم را بیدار کنید تا به اتفاق او به منزل قابله بروم. آخوند به او فرمود: وقت کار مستخدم به پایان رسیده. او تا ساعت معینی از شب باید کار کند و الان وقت استراحتش می‌باشد. یک دقیقه صبر کنید، من خودم می‌آیم.

اندکی بعد آخوند در حالی که عبایی به دوش انداخته و فانوسی به دست گرفته بود از منزل بیرون آمد و همراه طلبه راهی شد و از چندین کوچه و پس‌کوچه گذشت تا به منزل رسید. قابله را دم در خواست و مشکل را برای او بازگو کرد و سپس به عنوان راهنما، در حالی که فانوس را در دست داشت جلو افتاد و طلبه و قابله را به منزل بیمار رسانید و آن‌گاه خود به منزل بازگشت و اندکی بعد مقداری پول و شکر و قند و پارچه برای طلبه فرستاد. محصل جوان می‌گفت بعد از آن شب، من هر وقت چشمم به آقای آخوند می‌افتاد، از شدت خجالت سرم را پایین می‌انداختم، اما این مرد بزرگ بیش از پیش به من محبت می‌کرد و مثل این بود که اصلاً کاری برایم انجام نداده است.^۱

–وقف و صدقات جاریه

بر اساس برخی گزارش‌ها، تعداد بسیاری از افراد به دلیل بدهکاری و مشکلات اقتصادی در زندان هستند. بودن اینان در زندان مشکلی را حل نمی‌کند، طلبکاران می‌توانند این گروه را عفو و یا به آنها مهلت دهند، همین‌طور افراد خیر با دادن بدهکاری، زمینه آزادی اینان را فراهم نمایند. از همه مهم‌تر این‌که می‌توان با اتخاذ سیاست‌های راهبردی، این‌گونه مشکلات را حل نمود. یکی از این سیاست‌ها دادن صدقات و یا روش مند نمودن وقف‌های عام می‌باشد. چنان‌که امام علی علیه السلام این کار را انجام دادند: یکی از مشاغل امام علی علیه السلام کشاورزی و درخت‌کاری بود که بسیاری از خدمات و انفاق‌های خود را از این طریق انجام می‌داد و املاک زیادی را وقف

۱. مختاری، رضا، سیمای فرزندان، ص ۲۳۹.

می‌کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امیرالمؤمنین علیه السلام بیل می‌زد و نعمت‌های نهفته در دل زمین‌ها را استخراج می‌کرد.^۱ علی علیه السلام یکصد هزار درخت کاشت و همه را وقف کرد.^۲ موقوفات و صورت وقف‌نامه‌های حضرت علیه السلام در کتاب‌های حدیث و تاریخ به تفصیل آمده‌اند.^۳ در اهمیت این موقوفات کافی است بدانیم که طبق نقل مورخان، در آمد سالیانه آن‌ها چهل هزار دینار بوده که همه آن‌ها به نفع بینوایان و نیازمندان مصرف می‌شد.^۴

۳. آثار خدمت

گرچه خدمت‌رسانی آثاری برای محرومان دارد، اما این امر برای خدمت‌گزاران نیز دارای آثار است.

تیره روزان جهان را به چراغی دریاب که پس از مرگ ترا شمع مزاری باشد این آثار هم در دنیا و هم در آخرت نمود پیدا می‌نماید؛ چنان‌که خداوند اعلام می‌دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۵ خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. «هم‌چنین در آیات دیگر تأکید می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۶ خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.» در بسیاری روایات نیز بر آثار دنیوی و اخروی خدمت به مردم اشاره شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به راستی خداوند، مؤمن را تا زمانی که برادر مؤمن خود را یاری رساند، یاری می‌کند و کسی که یک گرفتاری از گرفتاری‌های برادر مؤمنش را در دنیا برطرف کند، خداوند هفتاد گرفتاری از گرفتاری‌های آخرت او را برطرف می‌کند.»^۷ آن حضرت هم‌چنین فرمود: «أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَدَمَ قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَمًا فِي الْجَنَّةِ»^۸ هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت کند، خداوند متعال به تعداد آنان، خدمت‌گزارانی را در بهشت به او عطا

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۳۷.

۲. همان، ج ۴۱، ص ۳۴.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۳ و سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۲۴.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۴۳.

۵. بقره، آیه ۱۹۵.

۶. توبه، آیه ۱۲۰.

۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۱۲.

۸. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۷.

خواهد کرد. نیز فرمودند: هر کس برای نیکی [و خدمت رسانی] به برادر خود بشتابد، فردا نتیجه آن را خواهد دید و کسی که برای خدا به برادر دینی خود یاری نماید، خداوند او را به هنگام نیازمندی یاری خواهد کرد و بیش تر از آن او را از بلاها و گرفتاری‌ها دور خواهد ساخت و آن کسی که اندوه و غم را از دل مؤمنی بر طرف نماید، خداوند متعال غم و غصه‌های دنیا و آخرت [او] را برطرف خواهد نمود.^۱

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۲.